

IRISEKAI



Translate Luna

Clean Sqr

Type Luna



T.me/IriSekai



instagram.com/IriSekai





اینکه همتون مخلوق من هستین دلیل
نمی شه همتون به به اندازه با ارزش
باشین، کثافت شیطانی جیشو!



تو هیچی جز به مدل پیشرفته تر از
چیزی که ما «کثافت» صداش می کنیم
نیستی، می شنوی صدامو؟!



عویی!



بخت گفتم بی صدا پنهان شو.
هیچ کاری نکن!



عایی، ولی هنوزم~!

عوخ. عوخ. عوخ. عوخ!

آه، درستہ!



Iris
Sekai
T.me/
IrisSekai

برات یکم پماد می‌زنم!



هان؟

اولین کاری که همین الان
باید برات انجام بدم!



چی میشه اگه جای یه زخم زشت
رو صورت خوشگلت بمونه؟!



میگما، احتمالا این زخم
به من ربط داره؟

همم؟

اون تو رو زد به خاطر اینکه
میخواست بیخیال پنهان
کردن بچه‌ای که روش بالا
آورد، بشی...؟

آه، قضیه اصلاً اینطوری
نیست. نگران نباش.

در واقع، اون پیشتر دلش می‌خواد درباره
این بفهمه که چرا پادیکاردش مجروح
شده...

ولی دلیلش اینه که اون هنوز
هویت واقعی تکنسین رو نمی‌دونه.

?

STARE

اگه اون بفهمه چه کارایی
از تکنسین برمیاد...

یه بار دیگه بهم
قول بده تکنسین.

بیخشید؟

قول بده تا وقتی امپراتور
این جاست قایم بشی.

حتی اگه نتونستی ازش پنهان بشی،
به هیچ وجه تکنولوژیت رو بهش
نشون نده، فهمیدی؟

تکنولوژی...؟

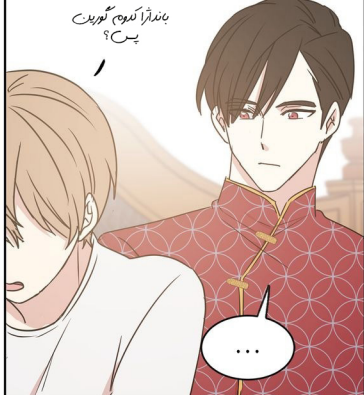
می ترسی امپراتور من و
تکنولوژیم رو مال خودش
کنه؟

grin

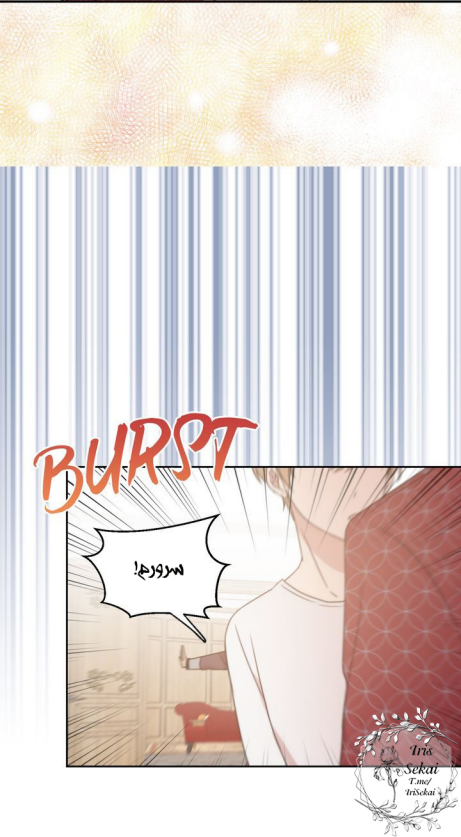
هان؟

بلی بلی، بنده یک دارایی بسیار
ارزشمند می باشم یاح یاح!

(PROUD)









... من یه همچین چیزی
رو نمی خورم، ولی...



پیدات کردم، آشغال شرقی~



آه، خدای من! اونا حتی روی
یه تخت می خوابن~!

ای جونمم!



تو اون شرقی هستی که بخش برده‌ها
رو آتیش زد و فرار کرد، خودتی نه؟



چقدر باشکوه! پشم
همه رو فر کردی!



Iris
Sekai
Time/
IrisSekai

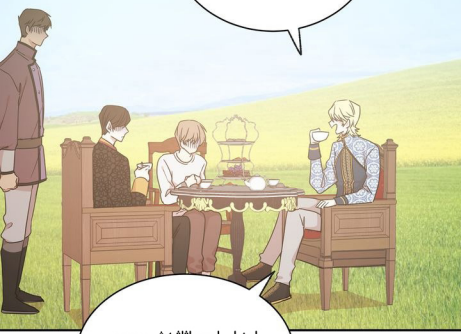
یاح یاح یاح!



سرورم... خاک تو سرم
کنن همش تقصیر منه...

آروم باش، کین...

خیلی خوب می‌شه اگه بانو دیاثه
هم بهمون ملحق شن~



اون اسباب و اثاثیه‌ش رو بهم
قرض داد و بعد به دلایلی رفت و
دیگه خودشو نشون نداد!

ا، اعلیٰ حضرت، ... من واقعا
متاسفم برای ... خیلی کارم
زشت بود ... لطفاً ... از جونم
بگذرین ...







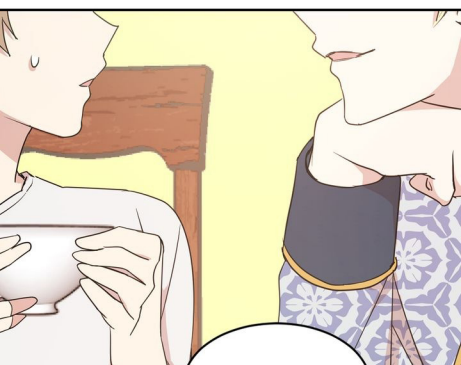
محصول به خاطر راه و روش خردمندانه
ادوارد به خوبی رشد کرده، پس مردم
خوشحالن.



اگه حاکمی که چنین سرزمین ارزشمندی
داره، مایله که از کسی که چنین جرم بزرگی
مرتکب شده، دفاع کنه...



... خب، من فقط دلم می خواست
دوباره اون آدمو ملاقات کنم، همین.



اهم!

... من به سرزمین اهمیت
نمی دم، سرورم.



من به آدم‌هایی اهمیت می‌دم
که توی سرزمین زندگی می‌کنن.



و این یکی که اینجا نشسته
مستثنی نیست.

بله، درسته. یه جواب پی نقص
از بچه پی نقص.

مطمئناً، البته، تو حتما خیلی
براش ارزش قائلی.



به هر حال تو و اون شرقی با هم
خودتون می‌دونین این یعنی چی





خانوما اجازه ندارن وارد بخش شوالیه‌ها
 بشن، پس من به عالمه درباره مردایی
 شنیدم که به جور دیگه انجامش می‌دن،
 پس فکر می‌کنم ادوارد هم نتونسته
 جلوی خودشو بگیره~



kyaaa

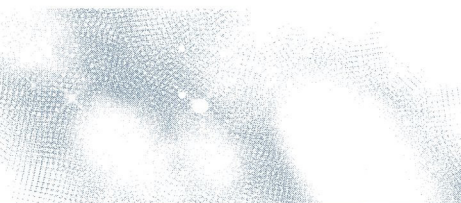


این شل مغز داره سعی می‌کنه ژانر رو
 تغییر بده اونم فقط چون من شبیه به مرد
 لباس پوشیدم!!

ادوارد، فقط می‌خوای کنار
 بکشی و تماشا کنی؟!



turn





این چه وضعشه... چرا دوباره داری
منو این طوری نگاه می کنی...؟

To Be Continued



Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمونی
ممنونیم. لطفاً **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار ما رو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیکمون رو هم بخونین.

@IriSekai

